

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۵/۲۲

مصطفی عمرزی

واقعیت دیگر (امرالله صالح)



یادآوری: این نوشته (واقعیت دیگر)، جزو مجموعه «افغاننامه» است که انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان در سال 1393 در کابل منتشر می کند. باز نشر این نوشته به احترام موضع ملی آقای صالح است.

امرالله صالح در شمار جوان ترین مدیران حکومت از نخبه گان حامی مرحوم احمد شاه مسعود نیز به شمار می رود. موضع گیری های ملی او، قبل و بعد از جریان «روند سبز افغانستان»، به جمع افغانانی افزود که می دیدند منطق دفاع وی از هویت ملی و جرات بیان آن در میان مجموعه ای که گمان می رفت بیشتر از همه (اعضای جمعیت و شورای نظار)، مخالف ارزش های ملی اند، هموطنانی زیادی را به احترام او واداشته بود. هنوز نوشته ها و بیانات بی شمار صوتی و تصویری صالح در میان مردم ما رد و بدل می شوند. این قلم در فرصت های مختلف به گزرویی های رئیس پیشین امنیت ملی تنقید داشته ام، اما این موضعگیری ها، هرگز به معنی فراموشی موضع ملی جناب صالح نیستند. او با جسارت در رسانه ها ظاهر می شد و با سواد بلندی که دارد، از هویت ملی دفاع می کرد. این موضع وی، خصوصاً کم ظرفیت هایی را نیز برمی انگیزد که گاه بر اثر موضع ملی مرحوم محمد قسیم فهیم، ناآگاهانه به تجزیه می گذاشتند که حالا شماری از آنان را از ملت، جدا می کند.

با نشر دوباره نوشتار «واقعیت دیگر»، به هموطنانی پیام می دهیم که هرچند ظاهراً دور شده ایم، اما حیات و ممانت ما وابسته به جبل الممتین افغان بودن است.

در 17 سال اخیر، رشد هویت طلبی های قومی، حتی فراتر از نفس مساله شد. بنابراین اگر هیچ محدودیتی بر ابراز وجود قومی وجود ندارد، بحث از تحمیل هویت قومی به نام ملی، به هیچ عنوان منطقی نیست. دولت کنونی با تبلوری از تقسیم بندی قومی، شکل گرفته است که شاید در تاریخ افغانستان، بی سابقه باشد. فعالیت های آزاد فرهنگی، رسانه ای و فکری، حتی به حد گرایش های مذموم قومی و شعار های تفرقه انگیز خر-آسانی، آشکار می کنند که محدودیتی به نام تحمیل هویت قومی به نام ملی، بی معنی است. اصرار ما به افغان بودن، حفظ سقعی ست که در ناداری های کنونی، حداقل بی خانه نباشیم.

جناب صالح با موضعگیری های بی جای ملی، از خط عقلانیت، دور نرفته است. با نشر دوباره نوشتار «واقعیت دیگر»، در حالی از او حمایت می کنیم که حامیان ارتجاع و فرار از منطق، عقب او را گرفته اند تا به جمع بازاریانی بپیوندند که به مهم ترین سوژه های نفرت، تمسخر و تحقیر، مبدل شده اند.

«... شاید پشتون و از کندهار باشم، شاید تاجیک و از پروان باشم، شاید هزاره و از بامیان باشم، اما همه افغان و از افغانستان هستیم؛ یک ملت، یک سرزمین!» خدکند عین سخنان امرالله «صالح» را اقتباس کرده باشم. سخنانی که از شعور بلند ملی حکایت می کنند و روز های زیادی روی صفحات فیس بوک افغانان، پسندیده می شدند و به اشتراک می گذاشتند.

روزی در حین شنیدن یکی از برنامه های گفتمان رادیوی آزادی، متوجه تاثیر سخنانی بودم که همانند اقتباس بالا، احترام و شگفتی شنونده گان و گرداننده گان رادیوی آزادی را برای آقای امرالله «صالح»، به همراه داشتند. آقای صالح در آن برنامه ی رادیویی نیز در هر نوبت پس از پایان صحبت هایش، به تکرار به این جمله تاکید می کرد: «شکر الحمدلله مسلمان و افغانم!». او در برابر

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

پرسش های شکاکانه ی گرداننده گان که بی جهت نبودند، پاسخ ارایه می کرد که مخالفان ارزش های ملی، حلفات کوچک و ناچیز اند.

اگر استثنا وجود دارد و اگر شرایط تحمیلی، جامعه ی افغانی و ملت افغان را ناگزیر کرده اند در پیامد رویداد هایی که ناشی از مداخله ی خارجی بودند، متفرق شوند، در شرایطی که هیچ چیزی به اندازه ی وحدت و با هم بودن، موثر نیستند، چرا برای گذشته های شماری، خود را از شخصیت های خبیر، محروم کنیم و به اصطلاح «تر» و «خشک» را بسوزانیم. هرچند استند کسانی که با چسبیدن به گذشته ی تنظیمی و ماضی ای که دیگر تاریخ گذشته است، هنوز در غفلت به سر می برند و با پی گیری اغراض تنظیمی، در اوج فرار از عقل (خراسان بازی)، نمی گذارند افغانستان را محدوده ای بدانیم که ترک حقیقت افغان و افغانستان اش را شرک و کفر می دانیم؛ زیرا افغانان در حب وطن، بی مانند اند، بنابراین هرگز کافر و مشرک نمی شویم.

تاکید بر موضع ملی و افتخار بر هویت افغانی، محدود به کسانی نمی شود که همانند آقای صالح، وقتی نوبت نقد مخالفان برسد، فراموش کنیم در میان تجربیات جناحی و تنظیمی نیز وطنپرستانی وجود دارند که اگر اجبار دیروز، آنان را بی خود کرده بود، حب وطن، آنان را داشته است با گسست از گذشته های ناخوش، انشعاب کنند و با عقلانیت اختیار، اجر خداوندی و رضایت مردمی را به دست آورند.

در این مقال، به همین بسنده می کنم که «واقعیت های دیگری» نیز در برابر ما قرار دارند. نیازی نیست بر اثر کردار گروه ها، اشخاص یا اشتباهات، قلم حذف بکشیم و فراموش کنیم درس های آموزنده ای در کژرویی ها نیز وجود دارند.

بهتر است مردم را از وجود نخبه گانی مرحوم نکنیم که هر یک با دال خودشان، متفرق شده بودند و اکنون که مقال منافع ملی و سرزمین، بزرگتر از مقال تنظیمی، سمتی و منطقه ای ست، با صدای بلند، از حقوق همه دفاع می کنند.

کسانی که برای منافع ملی، ارزش های افغانی و سرزمین افغانستان، حاضر اند آزمون دهند و برای این امور مهم، موضع گرفته اند، بایسته است نگرش بر آنان را با «واقعیت دیگر» نیز محک بزنیم.

ده ها و صد ها تن از نخبه گان و شخصیت هایی وجود دارند که گرچه با پیشینه ی تنظیمی، سوژه های مهم نقد اند، اما ارزش موضع آنان با اخلاصی که در مبحث منافع ملی بروز می دهند، بیشتر از آن است که آنان را با حقایق کوچک تنظیمی، خورد نموده و به حاشیه برانیم.

در تمام جریان های سیاسی، جهادی، تنظیمی، حزبی و مقاومتی افغانستان، افرادی بودند و استند که هرگز از تحفظ افغانیت و افغانستان، غفلت نکردند و امروز اگر در مقام جامعه ی عمل می ایستند، به آنان نیاز داریم.